

ضمیمه ۲



جنگل

نشریه تئوریک دانشجویان هوادار چریکهای فدائی خلق ایران

ارتش‌رهایی بخش خلقهای ایران - (سروند)

ویژه سیاه‌مکل

بهناسبت بزرگداشت

پانزدهمین سالگرد

رستاخیز سیاه‌مکل

و

قیام پرشکوه خلق

بهمن ۱۳۶۴



جریب نما یا سن
رفیق شهید اسما سنی



جریب فدائی خلق
رفیق شهید اسکندر رحیمی



جریب فدائی خلق
رفیق شهید محمدرحیم سمائی



جریب فدائی خلق
رفیق شهید محمد هادی فاضلی



جریب فدائی خلق
رفیق شهید غفور حسن پور اصیل



جریب نما یا سن
رفیق شهید شجاع الدین مسعودی



چریک فدائی خلق



چریک فدائی خلق



چریک فدائی خلق

رفیق شهید محمد علی محدث لندچی رفیق شهید مهدی اسحاقی رفیق شهید علی اکبر صفائی فراهانی رفیق شهید علی اکبر صفائی



چریک فدائی خلق

رفیق شهید هادی بنده خدا لنگرودی



چریک فدائی خلق

رفیق شهید ناصر سیف دلیل صفائی



چریک فدائی خلق

رفیق شهید احمد فرهودی

رستاخیز سیاهکل در قیام توده ها همیشه جاری است

نوزدهم بهمن ماه ، سالگرد شهادت قهرمانانه پیشاهنگان طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران است . و نیز بیست و دوم بهمن ماه سالگرد قیام بسا عظمت و پرشکوه خلقهای میهن مان علیه امپریالیسم و سلطه حاکمیت وابسته به آن میباشد . این دو روز را گرامی میداریم و با یاد آوری خاطره شهدای پاکباخته خلق در این دو روز ، مزوری بر درسهای پر بار و گرانقدر آن میافکنیم .

گرامیداشت هر ساله ۱۹ بهمن ، یکی از وظایف آرمان خواهانه تمامگی کمونیستهای راستین ایران است . ارج گذاردن بر حرکت دگرگون ساز حماسه آفرینان سیاهکل ، تنها یک تجدید عهد سنتی با انقلابیونی نیست که هستی خود را به پای طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران نثار کردند ، بلکه بازگو کردن تنها پراتیکی است و پای فشردن بر تنها راهی است که میتواند بسه جامعه ایده آل هر کمونیستی مومن ، یعنی جامعه کمون تراز نوین برسد .

۱۵ سال پیش ، در ۱۹ ماه بهمن سال ۴۹ ، دسته ای از پیشتازترین فرزندان خلق در حالیکه طلوع مبارزه ای آشتی ناپذیر را با حاکمیت وابسته شاه بسر صفحات سبز جنگلهای شمال ایران گسترانده بودند ، با فریادهای کین و خشم

آگین شان به ضد خلق ، در زیر آتش خمپاره هزاران چترباز و رنجر به شهادت رسیدند . از آنهنگام چنین روزی در سینه تاریخ انقلاب ایران برای همیشه ثبت گردید و این روز نقطه عطفی شد در سیر مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان .

آری ، رستاخیز سیاهکل جنبشی تاریخی بود از اعماق سالهای مدید ظلمتات سکوت و خاموشی در ایران . رستاخیز سیاهکل نقطه عطفی بود در حرکت برگشت ناپذیر تاریخ تکامل انقلاب ایران . رستاخیز سیاهکل فریاد عدالت خواهی طبقه کارگر ایران بود که به گوش خلقهای جهان میرسید . رستاخیز سیاهکل مبارزه ای نهفته در بطن تاریخ بود ، یک مبارزه تمام عیار کمونیستی که در ۱۹ بهمن با خون برجسته ترین کمونیستهای ایران بر زمین میهنمان جاری شد و تا بر پایی حکومت زحمتکشان بی وقفه ادامه خواهد داشت . رستاخیز سیاهکل ، جنبش نوین کمونیستی ایران را با خون فرزندان رشید خلق در تاریخ معاصر ایران ثبت کرد .

این رویداد دگرگون خواه چگونه آغاز شد؟

پاسگاه ژاندارمری ژاندارمری سیاهکل در شمار یکی از فعالترین مراکز قهر و ستم حکومت امپریالیستی شاه در منطقه گیلان بود . تمامی روستائیان زحمتکش و تهیدست مناطق سیاهکل و دیلمان در زیر ستمگریها و زور گویی های این پاسگاه رنج می بردند . یکدسته از اعضا ، چریکهای فدایی خلق با شناسایی چندین ماهه منطقه ، حمله به این پاسگاه را با ملاحظاتی بسیاری برای آغاز گشایش مبارزه مسلحانه در جامعه انتخاب کردند . هدف نظامی عملیات ، وارد کردن یسک

ضربه و سپس عقب نشینی به قعر جنگلهای انبوه و تدارک برای عملیات بعدی بود.

رژیم شاه پس از ضربه خوردن در سیاهکل ، نیروهای نظامی خود را به طرز بیسابقه ای بسیج کرد . تمام منطقه میلیتاریزه شد و ورزیده ترین چتربازان و نیروهای ژاندارمری با دهها هلیکوپتر و سایر تجهیزات جنگ ضد چریکی در سراسر منطقه بحرکت درآمدند . مستشاران نظامی امریکا همراه فرماندهان ارتش ضد خلقی ، ستادی ویژه برای جنگ ضد چریکی تشکیل دادند . عملیات "پاکسازی" منطقه آغاز گردید . همه اینها تنها برای این بود که تنی چند از جانباخته ترین فرزندان خلق را که جرات کرده بودند به ارکان رژیم شاه حمله کنند ، دستگیر نمایند .

اما شهادت سیاهکلیان ، پیروزی خلق ستمدیده ما بر دشمن طبقاتی و قسطنم خورده شان شد . سیاهکل روز جشن و پایکوبی توده هایی شد که ضربه ناپذیری حکومت شاه را ابدی میپنداشتند . سیاهکل روز ماتم و وحشت رژیمی شد که نزدیک شدن سایه قامت خلقی استوار و مبارز را بر برج و باروی کاخ ستم خود میدید .

این حرکت دگرگون کننده در شرایطی به تحقق درآمد که سلطه امپریالیسم تمام بافت اقتصادی جامعه ما را در نظام جهانی خود تحلیل برده بود . اصلاحات ارضی شهنشاهانه دست تمام استثمارگران بین المللی را برای چاپیدن ثروتهاى که با زحمت و عرق کارگران و دهقانان زحمتکش ایران آفریده میشود ، بساز گذارده بود . بورژوازی امپریالیستی با اتکاء به دستگاه پیچیده بوروکراسی دولتی خود و از طریق وابستگان طبقاتیش در سرزمینمان ، هر روز در بلعیدن دسترنج نیروی کار ایران پر اشتها تر میشد . فلاکت و تهیدستی خانمان بر یاد ده در پی تسلط کامل امپریالیسم بر شالوده اقتصادی کشورمان ، سایه ننگینش را بر زندگی زحمتکشان پهن کرده بود . بسط مناسبات سرمایه داری وابسته به

روستاها ، بقایای کشاورزی ایران را به نابودی کشاند و دهقانان به تباهی کشانده شده را بسوی شهرها و پشت دروازه های بزرگدکارخانجات گسیل میداشتنست . حلبی آبادها ، گودنشین ها و آلونک نشین ها یکی پس از دیگری در پای کاخهای سرمایه داران بین المللی سر بهر می کشیدند . کارگران کشورمان بیش از همه دیگر طبقات تحت ستم ، در زیر استثمار دو جانبه سرمایه داران داخلی و خارجی دست و پا میزدند . سنگینی سرنیزه حکومتی ، جرات نفس کشیدن را از هر ذی حیاتی ربوده بود . دستگاه پلیسی گسترده شاه ، هر حرکت و حرف آحاد جامعه را زیر کنترل داشت . ساواک تبدیل به هیولایی چند سره شده بود کسسه حضور خود را حتی در منزوی ترین گوشه زندگی مردم به رخ میکشید . ماشین نظامی رژیم هر جوش نابهنگامی را با سرکوب عریان خفه میکرد . دور افتاده ترین نقاط روستائی سرزمین مان زیر پوشش دستگاه سرکوب شاه قرار داشت . هر مدای حق طلبانه و آزادیخواهانه ای چه در ایران و چه در منطقه از گلسوی احدی خارج میشد ، در نطفه خاموش میگردد . مبارزات کارگری و دهقانی با سرکوبهای منظم و قهارانه ، فرو می نشست . گروههای سیاسی آنروز هر کدام به پناهگاههای خود خزیده بودند و در انتظار فرج لحظه موعود و قیام توده ها روز شماری میکردند . شاه با غرور بسیار ملک خود را نقطه ثبات و موازنه در خلیج فارس اعلام میکرد . خلق قدرت و صلابت حکومت شاه را جاودانسی می پنداشت و چشم به حرکت پیشاهنگ انقلابی خود دوخته بود .

در یک چنین اوضاعی ، گروهی از بیدارترین و فداکارترین کمونیستهای ایران برای راه یابی های عملی و کشف شیوه های خروج از بن بست مبارزاتی ، دور از هر گونه جنجال آفرینی ، به پژوهش عینی و عملی جامعه دست یازیده و در ظرف چندین سال مطالعه و تحقیق از شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران و تحلیل از زندگی مبارزاتی توده ها در جریان تماس های توده ای ، تئوری انقلاب ایران را تدوین نمودند .

رستاخیز سیاهکل اولین ارمنان این تئوری به خلقهای قهرمان میهنان در يك چنان شرایطی بود. تئوری "مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک" دست آورد نظری فعالیت خستگی ناپذیر چند ساله گروهی بود که در شرایط اختناق رژیم شاه، با مطالعات عینی خود توانستند چنین تئوری مارکسیستی ای را خلق کنند. برای تدوین این تئوری لازم بود که چه در زمینه درک خلاق و انقلابی از مارکسیسم - لنینیسم، چه در زمینه جمعبندی تجربیات انقلابات روسیه، چین، ویتنام و کوبا، ۰۰۰، چه در حوزه ترجمه، نقد و بررسی آثار و ادبیات جنبش های انقلابی جهان، چه در مورد جمعبندی و تحلیل از تاریخ مبارزات خلقهای ایران از جنبش مشروطیت به بعد، چه در امر تحلیل از وضعیت مبارزات چندین ده ساله طبقه کارگر ایران، چه در رابطه با ضرورت تحلیل از ساخت اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران، چه در باب شناخت از سیاستها و تاکتیکهای ضد انقلابی امپریالیسم جهانی در کشورهای نومستعمره، جنبه در مورد اتخاذ شیوه مبارزه و شکل طبقه کارگر، و حوزه ها و عرصه های متنوع دیگر، يك کار تئوریک عظیم، دامنه دار و طولانی ای سازماندهی شود که با توجه به وسعت و عظمت و سنگینی چنین کار سترگی تنها انقلابیون پیگیر و با استحکام قادر بودند از عهده آن برآیند.

باری، رستاخیز سیاهکل که در قامت استوار و با اراده تیمی از چریکهای فدایی خلق بر پهنه بیشه زارهای جنگل انبوه کیلان درخشید، میوه رسیده این تئوری بود. با چنین جهش امید آفرینی بود که تئوری مبارزه مسلحانه آفرینش خود را به خلقهای ایران و انقلابیون جهان اعلام کرد و چریکهای فدایی خلق پیام خونین و آشتی ناپذیر خود را با صدای گلوله های دشمن افکن بگوش ضد انقلاب جهانی رساندند.

تأثیرات سیاسی جامعه سیاهکل بر جامعه

"دسته جنگل" با جانفشانی و فداکاری شان در سیاهکل، توانستند به توده‌ها ثابت کنند که کمونیستها انقلابیون راستین هستند. آنها توانستند اعتبار و حیثیت کمونیستها را نزد توده‌ها باز گردانند. شکافی که به وسعت نیم قرن جدایی بین توده و پیشاهنگ کمونیست اش ایجاد شده بود، میرفت که با خون سیاهکلیان پر شود. اگر تا پیش از طلوع سیاهکل، طبقات استثمار شونده با بی‌اعتمادی به کمونیستها مینگریستند و اگر تا آن هنگام کارگران وازه کمونیست را مترادف با "توده‌ای" تصور میکردند و بهمین لحاظ هم کمونیستها را افرادی خیانت پیشه می‌پنداشتند اینها همگی نتایج چندین دهه خیانت و خبث کمیته مرکزی حزب توده بود. اما اینک با درخشیدن ستاره سیاهکل بر آسمان وحشت زده، ایران، تمامی این سیاهی‌ها میرفت که جای خود را به سپیدی روشن مبارزه مسلحانه چریکهای فدایی خلق بدهد. این مبارزه نیازمند چنان قربانیهای گزافی بود که جنبش کمونیستی ایران تا بحال کمتر نمونه‌ای از آنان را به تاریخ انقلاب جامعه ما توانسته است اهداء کند. خون سرخ مبارزین سیاهکل و سپس در ادامه آن چریکهای فدایی خلق، بتدریج ذرات خاشاک و خسی را که بر ذهنیت توده‌ها نشسته بود، می‌شوئید و آنان را به این حقیقت مجاب میکرد که کمونیست یعنی مظهر فداکاری در راه آرمان‌های استثمار شندگان. حرکت توده‌ها با حرکت موتور کوچکی که بسراه افتاده بود، سرعت میافت. احساس ترس از قدرت پلیسی و نظامی رژیم شاه که چون نیروی عمادی در برابر تمامی ستمدیدگان قد علم کرده بود، با جباری شدن خون سیاهکلیان فرو میریخت. پرولتاریای ایران از مجرای عمل سیاسی - نظامی پیشاهنگان خود به کسب آگاهی کمونیستی و شناخت از روابط خود با سایر طبقات جامعه پرداخت. کارگران ایران از طریق شمارها و رهنه دهسای

نظری و تبلیغات سیاسی - نظامی مبارزه مسلحانه ای که جاری بود آگاهی طبقاتی بدست میآوردند . فاصله بین پيشاهنگ خلق با طبقه کارگر با هر عمل سیاسی - نظامی ، با هر ضربه ای که به مراکز سرکوب رژیم وارد میگردد و با هر یورش که به دستگاه نظامی دولت انجام میگرفت ، کمتر و کمتر میشد . توده هائیکه تا پیش از حماسه سياهکل خفته بودند و علاقه ای به کسب آگاهی سیاسی نشان نمیدادند . اکنون با غرش گلوله های رزمندگان سياهکل بیستادار شده بودند و به هر حرکت و موضوع سیاسی حساسیت و توجه نشان میدادند . سياهکل هیچگاه دچار شکست اساسی نشد .

اهداف رستاخیز سياهکل چه بودند ؟

تئوری "مبارزه مسلحانه هم استراتژی ، هم تاکتیک" ، تئوری رهنمون مبارزین سياهکل بود . این تئوری با تحلیل از زیر ساختهای اقتصادی ایران ثابت میکند که روابط سرمایه داری در ایران پس از انجام بااصطلاح اصلاحات ارضی بطور کامل در سیستم جهانی امپریالیسم تحلیل رفته است . باین علت جامعه سرمایه داری ایران ، به کل نظام سرمایه داری امپریالیسم وابسته شده و این وابستگی در تمام شئون زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه تاثیرات اساسی گذارده است . سلطه این روابط استثمارگرانه بر توده ها نیاز به تأمین یک دستگاه سیاسی دولتی دارد که کاملاً وابسته به امپریالیسم بوده و بر اساس منافع طبقاتی بورژوازی جهانی در ایران اداره شود . اولی ترین وظیفه این دولت سرکوب جنبشهای آزادیبخش در ایران و منطقه است . از این جهت حاکمیت سیاسی وابسته احتیاج به یک ماشین نظامی مدرن برای انجام این مأموریت پیدا میکند . در اینجاست که ارتش و کل سیستم نظامی ، ستون فقرات دستگاه دولتی شده و بقاء و ثبات این دستگاه را در برابر دورانهای

طغیانی و طوفانی حفظ میکند. پس اساس وابستگی مناسبات سرمایه داری در ایران، ساخت دولت و ماهیت ضد خلقی و سرکوبگرانه اش را بوجود میآورد و این ساخت دولتی با ایجاد و سازماندهی یک ارتش دست پرورده و وابسته تبدیل به یک ارگان کامل سیاسی متناسب با مناسبات سرمایه داری وابسته در ایران میگردد.

تئوری مبارزه مسلحانه با ارائه چنین تحلیل زیر بنایی ای، وضعیت نیروهای طبقاتی جامعه را تبیین میکند. این تئوری با تجزیه و تحلیل از بی اثر بودن روشهای سنتی مبارزه در بسیج و تشکل توده ها و روشهای خشونت آمیز و وحشیانه قلع و قمع کردن مبارزات طبقه کارگر و اقشار خلق، و نیز اثبات تکیه بی چون و چرای حاکمیت وابسته به قدرت نظامی و کنترل پلیسی، باین نتیجه گیری عملی میرسد که در چنین وضعیت مشخصی، برای درهم شکستن قدرت دولتی حاکم، باید ارتش و ماشین نظامی محافظ و مدافع آنرا خرد و منهدم کرد. مادام که ابزار سرکوب دولت، یعنی ارتش، پلیس، ژاندارمری و سایر زوائد و جوانب آن دست نخورده و سالم باقی هستند، دولت زورگرو و مزدور امپریالیسم هم بر گردن استثمار شوندگان سوار است و تا وقتی دولت وابسته به امپریالیسم متلاشی نشده، روابط استثمارگرانه سرمایه داری وابسته هم بر جامعه حکمفرما خواهد بود. پس، سمت اصلی ضربه پیشاهنگد پرولتاریا معین شد. انهدام ماشین نظامی دولت، از نظر استراتژیک هدف نظامی رستاخیز سیاهکل و مبارزه مسلحانه گردید.

اما هدف مشخص و عاجل رستاخیز سیاهکل، بر هم زدن نظم و آرامش دلخواه طبقه ستمگر و تشویق توده ها به وارد شدن به میدان مبارزه سرنوشت ساز و تعیین کننده بود. این هدف، جزو اهداف اولیه ای بود که چریکهای فدائوسی خلق در آغاز گشایش مبارزه مسلحانه در مقابل خود داشتند.

اکنون مهمترین موانع جنبش مسلحانه ایران اکنون بتأخر تمایلات عملی حقیرشان

سعی میکنند اهداف اصلی و اساسی رستاخیز سیاهکل و نیز مبارزه مسلحانه چریکهای فدایی خلق را در پشت هدف عاجل سیاسی آن پنهان نمایند و بدین ترتیب ضرورت توسعه مبارزه مسلحانه را قلم بگیرند. در حالیکه مبارزه مسلحانه ایکه در سیاهکل آغاز شد، مهم ترین و اساسی ترین هدفش، همانا برپایی جنگ انقلابی در جهت انهدام و تلاشی ماشین نظامی و بوروکراسی دولت وابسته است.

پس از آنکه مبارزه مسلحانه رفقای سیاهکل در کانون استبداد و ستم وحشیانه رژیم شاه شکوفا شد و پس از آنکه پیشاهنگ کمونیست دقیقاً در اوج قدر قدرتی و حریف طلبیدنهای شاه و نوکرانش، ضربه ای غافلگیرانه و گیج کننده بر وی وارد آورد، خلق از هیجان تکان خورد و برق امید در چشمانش درخشید. پایه های دیوار خفت و ترس به لرزه درآمد و خلق به عینه دید که راه مبارزه موثر و کاری کدامست و چطور میتوان حتی پشت محکم ترین ستونهای سلطه استثمار امپریالیستی در منطقه را خم کرد.

آری، چریکهای فدایی خلق با اعلام عملی آغاز مبارزه مسلحانه به اهداف سیاسی و عاجل خود دست یافته بودند. رستاخیز سیاهکل در سینه توده های ستمدیده سرمشق مبارزه شد. فضای ارباب هولناک پلیسی شاه با رایحه مبارزه ای آشتی ناپذیر آغشته شد و در چنین رایحه ای به یکباره انرژی در بند شده جوانان و روشنفکران انقلابی آزاد شد. رودخانه پویان به اقیانوس خروشان و بیکران توده ها پیوست و میرفت که با امواج تند و بی آمان خود، قصرهای ظلم و ستمگری شاهانه را از صفحه روزگار بربرد. بهترین جلوه های دل انگیز هنر و ادبیات انقلابی ایران در بستر این رودخانه گل دادند و عطر شعر گل سرخی ها، و سلطان پورها و ۰۰۰ بر سراسر گلزار خونین انقلاب مسلحانه ایران با بوی تند باروت و صدای محکم انفجار نارنجک، یکی شدند. پس از رستاخیز سیاهکل ثابت شد که حاکم شدن سکوتی طولانی بر فضای سیاسی کشور و تن دادن اقشار خلق بسبب

انبوه ترس و خفت ، نتیجه ناگزیر فقدان يك نیروی واقعا پیشاهنگد کمونیست در سطح جامعه بوده است . اما هنگامیکه مبارزه مسلحانه بطور جدی آغاز شد و توده ها دریافتند که نیروی آغازگر این مبارزه ، برای آرمانهای انقلابی شان حاضر به ایثارهای باور نکردنی هست ، به آن با اعتماد روی آور شدند . بدین ترتیب چریکهای فدایی خلق با مبارزه مسلحانه خود در سیاهکل ، مکان شایسته خودشان را در حرکت اجتماعی توده ها باز کردند و سر فصل نوینی را از رابطه توده ها با پیشاهنگد گشوند .

اهداف استراتژیک و اساسی رستاخیز سیاهکل چه بودند؟

با این حال مبارزه مسلحانه ایکه رزمندگان سیاهکل گشایشگر آن بودند ، راه دراز و دشواری را در پیش روی داشت . پیروزی سیاسی حماسه سیاهکل از وظایف پیشاهنگد در برابر انقلاب و آرمانهای طبقه کارگر بهیچ وجه نکاسته بود ، بلکه دامنه آنرا وسیعتر میکرد . تحلیلی که تئوری مبارزه مسلحانه از انقلاب رهایی بخش در ایران ارائه میدهد ، اصولا انهدام کامل قدرت سیاسی حاکم و سرنگونی امپریالیسم و سپس بسط انقلاب تا سوسیالیسم را در يك پروسه طولانی متناظر با جنگ انقلابی میسر میداند . از نظرگاه این تئوری بسط مناسبات سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که همراه با خود استعمار و غارت خلقها را بیش از پیش فزونی میبخشد ، لازمه بقا و استحکامش اعمال بسدود وقفه و منظم سرکوب مبارزات خودبخودی توده ها در هر شکل و فرمی میباشد . از این جهت اعمال قهر نظامی از سوی طبقات حاکم جزه لاینفک شکل حکومت در ایران است . بنابراین بسیج توده ها و ایجاد تشکل مستقل پرولتاریاسا در پروسه ای از مبارزه امکان پذیر میشود که متلاشی کردن ماشین سرکوب و قهر نظامی رژیم حاکم را مشخص ترین هدف خود قرار داده باشد . حزب طبقه

کارگر که باید پیشاهنگی و رهبری مبارزات توده ها را در اشکال متنوعش بر عهده بگیرد در پروسه طولانی جنگ مسلحانه انقلابی علیه توسعه میلیتاریزم امپریالیستی در ایران تشکیل میشود. برای مبارزه با قدرت دهشتناک مائین نظامی رژیم وابسته در ایران، باید زور طبقات استثمار شونده را متجمع و سازماندهی کرد. طبقات زیر سلطه جامعه هم تنها در پروسه جنگ انقلابی که بوسیله پیشاهنگ کمونیست بایستی توسعه یابد، در ارتش انقلابی متعلق به خودشان سازماندهی میشوند. بنابراین در شرایط جامعه سرمایه داری وابسته ایران، توسعه جنگ انقلابی بوسیله پیشاهنگ خلق نقشی تعیین کننده و اساسی در راهگشایی انقلاب دارد. گسترش مبارزه مسلحانه و جنگ انقلابی در خدمت بسیج توده ها و ارتش خلق قرار میگیرد و به توده ها امکان میدهد تا با بکار بردن زور سازمانیافته خود بتدریج مناطق زیر سلطه امپریالیسم را آزاد کنند. در مرحله ای از رشد جنگ انقلابی، و توسعه قدرت نظامی ارتش خلق، مرحله ای که پیشاهنگ کمونیست قادر است بالفعل و در سطح وسیع بز سر مبارزات طبقه کارگر تاثیرات اجتماعی بگذارد، تشکیل حزب کمونیست بعنوان ضرورتی مشخص و فوری در دستور کار قرار میگیرد. تنها در این حالت است که حزب پرولتاریا از درون یک مبارزه حاد انقلابی متولد شده و قادر خواهد بود رهبری پرولتری را در واقعیت و عملاً بر مبارزات طبقات استثمار شونده و در شکل توده ای اش اعمال نماید. این حزب در اینصورت یک حزب سیاسی بتمام معنی خواهد بود. حزبی که هدف خود را تشکیل حکومت کارگری، استقرار جامعه سوسیالیستی و هدایت آن بسوی کمونیسم نهاده است.

بنابر آنچه که گفته شد، از نظر گاه تئوری مبارزه مسلحانه، استراتژی نظامی پیشاهنگ خلق عبارتست از انهدام ارتش ضد خلقی امپریالیسم از طریق برپایی و توسعه جنگ انقلابی، و استراتژی سیاسی پیشاهنگ عبارتست از بسیج و سازماندهی توده ها که اینهم از طریق برپایی و توسعه جنگ انقلابی در طی یک

پروسه طولانی جنگ چریکی تحقق مییابد . بنابراین استراتژی انقلاب ایران از نقطه نظر تئوری مبارزه مسلحانه يك استراتژی تواما سیاسی و نظامی میباشد که اساسا غیر قابل تفکیک بوده و در جریان گسترش مبارزه مسلحانه به ثمر میرسد .

رهبری کمونیستی وظیفه دارد تا تمام اراده ، توان و امکانات خود را برای مادی کردن این استراتژی یگانه سیاسی - نظامی بسیج نماید و راه را برای برپایی حکومت زحمتکشان و محو هر گونه روابط نابرابرانه ای در جامعه هموار نماید . اینها ، اصولی هستند که راهنمای عمل مبارزین جان برکف سیاهکل بودند و همین اصول نیز راهنمای عمل کلیه معتقدین وفادار به تئوری مبارزه مسلحانه باقی خواهند ماند .

* * * * *

رستاخیز سیاهکل در قیام ۲۲ بهمن توده ها متبلور شد .

ماه بهمن هم چنین ماه قیام سترگ و تاریخی خلقهای بیخاسته ایران است . اکنون که ۷ سال از قیام توده ای پرشکوه و با عظمت خلق در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ میگذرد ، لازم است که نگاهی به این جنبش بزرگ و بیسابقه بیندازیم و درسهای آموختنی آنرا فرا گیریم .

جرقه سوزانی که در جنگهای سیاهکل افروخته شد ، آسمان انقلاب ایران را دگرگون کرد . جرقه شعله ور شد و دیرری نگذشت که توده ها وارد صحنه کارزار و مبارزه طبقاتی شدند . ارکان سلطنت خاندان پهلوی به لرزه درآمد و صدای تنها ره رهایی جنگ مسلحانه که از گلوی مردم آزادیخواه خارج میشد ، نفس جانیان امپریالیستی را بند آورده بود . جرقه سیاهکل به انبار باروت توده ها

اصابت کرده بود و چنان انفجار مهیبی را باعث گشت که در تاریخ انقلابهای جهان بی نظیر است.

اگر هدف سیاسی مبارزین سیاهکل این بود که توده های ستمکشیده و مرعوب را به میدان نبرد طبقاتی بیاورند ، توده هایی که تاریخ سازان واقعی هستند ، اینک با نضج گیری جوانه های قیام این هدف برآورده شده بود . اگر هدف سیاسی جانبازان سیاهکل این بود که پوشالی بولادشمن طبقاتی خلق را نشان دهند ، ضربه پذیری و ثبات بی پایه رژیم را افشاء نمایند و آگاهی سیاسی توده ها را ارتقاء دهند ، اکنون با موج شدن پر جنب و جوش حرکات طبقه کارگر با گسیل شدن توده های خشمگین به خیابانها این هدف به ثمر رسیده بود . آری توده ها در جریان مبارزات رو به تزاید و حاد خود نشان دادند که در لحظات خاموشی و سکوت مبارزاتی شان ، تنها چشم به مبارزینی میدوزند و از انقلابیونی سرمشق میگیرند که در گفتار و کردارشان حقیقت مبارزه را پیدا کنند و تنها از کمونیستهایی تاثیر میگیرند که شهادت جلو افتادن از توده ها، و نشان دادن راه را در کوره خمهای تاریک و پرتگاه های هولناک مبارزه داشته باشند .

آری ، حرکات جانبازانه توده ها در جریان قیام ۲۲ بهمن ، شهادتی که در رویا رویی با دشمن تا دندان مسلح خود نشان دادند ، جسارتی که در پاره کردن پرده اختناق بکار بردند ، فداکاری و از جان گذشتگی بی نظیری که در زیر گلوله بارانهای رژیم از خود به نمایش گذاردند ، همگی ثابت کرد که آنان چهره درسهای گرانبهایی را از ۸ سال مبارزه مسلحانه پیشاهنگام موخته اند .

خون مبارزین سیاهکل و همه شهدای چریکهای فدایی خلق در سراسر سرزمین سوخته مان ، میوه قیام توده ها را در طی ۸ سال مبارزه آشتی ناپذیر آبیاری کرده بود . خلق که در بیلگ بستر آرام بتدریج بخود تکان میداد ، با خونهای همین مبارزین بناگهان بها خاست و چنان مبارزه شکوهمند و تاریخی ای را

بیادگار نهاد که عظمت و شکوه آن تا نسلهای مدید برجا خواهد ماند. قیام شکوهمند خلق بوضوح نشان داد که مبارزه مسلحانه توانست در طی ۸ سال به اهداف فوری خود برسد، همانگونه که مبارزین سیاهکل توانستند پیوند پیشاهنگبیا توده را برقرار نمایند، توانستند توده را بمیدان مبارزه بکشانند، توانستند ماهیت ضد خلقی و وابسته رژیم شاه را به توده بفهمانند، توانستند حمایت توده ها را جلب نمایند، توانستند شور و هیجان انقلابی توده ها را تحریک نمایند و این دستاوردها نه به آسانی بلکه به قیمت شهادت مدهمسا رزمنده شریف و جان برکفی بدست آمد که طی ۸ سال مبارزه مسلحانه و الهام از تئوری ظفر نمودن آن، خون خود را نثار آرمانهای کمونیستی شان کردند.

چرا انقلاب توده ها پس از قیام ۲۲ بهمن دچار شکست شد؟

قیام ۲۲ بهمن ماه توده ها در اوضاعی بوقوع پیوست که از نظر اقتصادی جامعه ما دوران بحران سرمایه داری را میگذراند. سرازیر شدن ناگهانی دلارهای نفتی و نیز سرمایه های امپریالیستی به داخل ایران، بر شدت استثمار توده ها بیش از پیش افزود و بی قوارگی رشد مناسبات سرمایه داری را بنحو چشمگیری تشدید کرد. سرمایه های خارجی که از غارت منابع کشور و استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه بدست آمده بود به بازارهای ایران ریخته شد تا در پروسه ای دیگر سودهای کلان تری را به جیب جهانخوران امپریالیستی واریز نماید. طبقه کارگر که در زیر فشار دائمی ارتش نخیزه کار قرار داشت، زندگی ای توأم با سرکوب و شکنجه جسمی و روحی را متحمل میگردید. دهقانان و کشاورزان نیز به نوبه خود در روستاها هم از طرف مالکین بزرگ وابسته و هم سرنیزه دولتی چپاول میشدند و پس از مقروض شدنهای سنگین مجبور به فروش تکه زمین خود شده و عازم شهرها برای کار میشدند. در شهرها فساد و

رشوه دولتی آمیخته با حکومت نظامی پنهان بیداد میکرد. تحقیر و اهانت به توده ها ، تجاوز به حقوق و حریم زندگی مردم ، امری عادی و روزمره برای دولت شاه شده بود . قیمتهای ارزاق عمومی و اقلام مصرفی بنحو سرسام آوری افزایش می یافت . تمامی اقشار خلق در حالتی انفجاری قرار داشتند . این وضعیت انفجار آمیز اقتصادی ، همراه با اختناق سیاسی ، چنان شرایطی را فراهم کرد که بالاخره در يك لحظه بشارت بخش خلق بها خاست و برای عدالت و آزادی دست به حرکت دگرگون کننده ای زد . توده ها در جریان قیام تاریخی خود ، بیش از هر چیز به مراکز و ستادهای سرکوبگر رژیم حمله ور شدند . آنها بخوبی نقش این نهادهای ضد انقلابی را درک کرده بودند و لذا در درجه نخست خواهان ، تلاشی و انهدام ارتش و زوائد آن بودند . مع الوصف آنها نتوانستند بخاطر فقدان يك رهبری کمونیستی واقعی و خیانت و دسیسه چینی رهبری غاصب جنبش ، این ستونهای بقاء حاکمیت امپریالیستی را از ریشه بدر آورند و به بساط چندین دهه سلطه امپریالیسم خاتمه بخشند .

سازمانی که با خون رزمندگان سیاهکل رشد کرده بود در این شرایط بدست اپورتونیستهای مودی تصاحب شده بود و قیام توده ها از کسب يك رهبری پرولتری با نفوذ ، توسط این جریان اپورتونیستی محروم ماند . رهبران گانگ در رکاب امپریالیسم و نوکران بزرگ کرده وارداتیش قدم به خاک میهنمان گذاشتند . خمینی و دارودسته ارتجاعی اش با بوق و کرنای زیاد و با استفاده از توهمات توده ها نسبت به مذهب ، رهبری حرکت توده ها را بدست گرفتند . قیام خلق که هدفش سرنگونی امپریالیسم و محو روابط استثمارگرانه بود ، به يك قدمی انهدام ارتش نرسیده ، از حرکت باز داشته شد . قیامی که میرفت با انرژی و قوت کوه افکن خود ، بنیان هر گونه روابط استثمارگرانه ای را درهم پیچد و طومار سلسله سلاطین و حکام درباری و خلافت غیر اسلامی و اسلامی را برای همیشه منقرض کند ، با غفلت جنبش کمونیستی ، غایب شد .

اپورتونیسیم و دسیسه‌چینی امپریالیسم به یک دولت ارتجاعی وابسته دیگر منتهی شد. • رهبران تازه بدوران رسیده، قیام توده‌ها را از متلاشی کردن بساط امپریالیسم باز داشتند، ارتش ضد خلقی را از زیر ضربات سهمگین خلق قیام کرده، نجات دادند و با چندین مانور سیاسی فریبکارانه شکل تازه حکومتت امپریالیسم را بر جامعه بزیا کردند.

در چنین اوضاعی جنبش کمونیستی در حالتی اغما، آلود توسعه پیدا می‌کند، چشمان نیم بسته اش را بهم میمالید و تلو تلو خوران حرکت می‌کرد. سازمانهای تازه بدوران رسیده به برکت شرایطی که قیام توده‌ای خلق فراهم کرده بود، میروئیدند و بی تفاوت نسبت به دسایس امپریالیستی و حکومت جباری که از همان روز نخست جلوس ارتجاعیش، دیوانه وار توده‌ها را سرکوب می‌کرد، بیکدیگر تنه می‌زدند. قیام خلق به اهداف خود نرسید. و از پی آن حاکمیست قهار و فریبکاری بر مسند قدرت تکیه زد که تا کنون بجز نخوست، بدبختی، فقر و تنگدستی، جنگ و خونریزی ستمدیدگان، آوارگی و خانه خرابی استثمار شوندگان، تحفه دیگری به توده‌های ایران نداده است.

شکستی که امپریالیسم به انقلاب ایران در ۲۲ بهمن ماه تحمیل کرد، ثابت کرد مادام که مبارزات توده‌ها متناظر با یک رهبری کمونیستی انقلابی که قادر باشد حرکت پر خروش و غلبان خلق را در بستر مبارزه مسلحانه طولانی هدایت نماید، مبارزات توده‌ها هر چقدر هم توفنده و عظیم باشد با دسایس و ترفندهای ضد انقلاب به گجراه برده خواهد شد و شکست در پی شکست به مبارزات توده‌ها وارد خواهد آمد. • قیام ۲۲ بهمن این فاکت برجسته را عیان کرد که تنها طبقه‌ای که میتواند تمامی توده‌ها را زیر پرچم سرخ خود به پیروزی بر امپریالیسم و نابودی استبداد استثمار برساند، همانا طبقه کارگر و پیشاهنگ راستین وی است. • و نیز بار دیگر این حقیقت را آشکارا نشان داد که تا وقتی سلطه استثمارگرانه امپریالیسم بر جامعه ما حکمفرماست، رهبری کمونیستی

نمی‌تواند تنها به بسیج طبقه خود بپردازد و مکلف است طبقات استثمار‌شده را با شعارهای توده‌ای بسیج‌کننده بسوی انهدام و تصرف قدرت سیاسی بورژوازی هدایت کرده و حکومت زحمتکشان را تشکیل دهد. قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که درهم شکستن کامل ستون فقرات دولت، سمت اصلی مبارزات توده‌ها است. متلاشی کردن کامل ارتش ضد خلقی و تمامی زوائد آن شرط اولیه شکست امپریالیسم و پیروزی خلق است. قیام ۲۲ بهمن این واقعیت را بار دیگر بهمگان نشان داد که در شرایط اوجگیری مبارزات توده‌ها، امپریالیسم از هیچ ترفندی و نیرنگی برای پوشاندن حضور سلطه‌گرانه خود در ایران فروگذار نمی‌کند و هر بار با ماسک و نقاب عوام‌فریبانه تری برمسند قدرت تکیه می‌زند. قیام ۲۲ بهمن صحت ایده‌های انقلابی تئوری مبارزه مسلحانه را راجع به پروسه واقعی و ضرور انقلاب آزادیبخش توده‌ها بار دیگر ثابت کرد و به عین نشان داد که عصر امپریالیسم، عصر جنگهای توده‌ای طولانی برای رهایی از قید استثمار، استبداد و سلطه بورژوازی جهانی است.

۷ سال از قیام تاریخی توده‌ها گذشت

اکنون جنبش خلق ما در شرایطی استثنایی و حساس بسر می‌برد. در شرایطی که تمامی اقشار زیر سلطه بعد از ۷ سال تجربه و مشاهده اعمال ضد خلقی و امپریالیستی حاکمیت فعلی، از این هیئت حاکمه بطور کل قطع‌امید کرده‌اند، در شرایطی که توده‌ها در طی این ۷ سال یک آن مبارزات خود را قطع نکرده‌اند و هر بار تجربه‌ای تازه‌تر از مبارزات خود آموخته‌اند، جنبش خلق ما بیم آن می‌رود که بار دیگر بدست سازشکاران و با غفلت زدگی و اغماز کمونیست‌ها به بند و بستهای پنهانی با امپریالیسم کشیده شود.

اکنون ۷ سال از آن تاریخ شومی میگذرد که حکومت جمهوری اسلامی بوسیله سیاستهای نیرنگبازانه امپریالیسم بر جامعه مان حاکم گشت. ۷ سال مالا مال از نکبت روز افزونی که این حکومت سر منشاء آن گشت. ۷ سالی که سراسر آن سرشار از اندوه و رنج و اضطراب، تحقیر و تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی آحاد مردم، استثمار عربیان و بی‌شرمانه طبقه کارگر و سایر طبقات زحمتکش، اختلاس و کلاهبرداری آشکار از توده ها، و ۰۰۰ ارمغانهایی بوده اند که ایمن حکومت منحوس برای خلق ما با خود آورده است. بر این فهرست سیاه بایست گذشتار دسته جمعی در زندانها، دستگیریهای بدون وقفه و شکنجه های قسرون وسطایی، پیگردها و حبس ها، گوشت دم توپ کردنهای جوانان بیگناه، عربده کشیهای جنگ طلبانه، بمبارانها و آواره شدنها، و صدها مورد دیگر را افزود. بدون هیچ تردیدی، ایام حکومت جمهوری اسلامی، یکی از ظلمانی ترین صفحات تاریخ میهنمان خواهد بود.

در این وضعیت شدیداً بحرانی و بحران زا، شکاف بین عمل توده ها با کمونیست ها و سازمانهای مدعی رهبری بمراتب عمیق تر از آن موقعی است که هنوز رستاخیز سیاهکل رخ نداده بود. در یکطرف توده ها قرار دارند که با افزایش ابعاد مبارزات خود در هر گوشه از میهنمان علیه جور امپریالیستی و اسلامی این حکومت بها خواسته اند، در یکطرف این طبقه کارگر است که مبارزه خود را علیه این دشمن غدار کارگران قطع نکرده است. و در طرف دیگر جنبش کمونیستی ایران قرار دارد، پراکنده، متشنج، انحاء آلود و بیمبار. اپورتونیسیم مودی با رنگهای پر جلالت و زرق و برق دارتر از گذشته، ایمن جنبش را بخود مشغول کرده است. در یکطرف جنبش خلق کرد قرار دارد که بی‌امان و آشتی ناپذیر، سازمانهای سیاسی سفت شده در کردستان قهرمان را به دنبال خود میکشد و در طرف دیگر جنگ گروهی کومله و حزب دمکرات قرار دارد که این جنبش را بخود مشغول میکند. وضعیت کنونی جنبش کمونیستی بسسه

مراتب و خیم تر از ۷ سال پیش است. ضعف اساسی جنبش کمونیستی در شرایط حاضر فقدان يك اتوریته سیاسی - عملی بر جنبش توده ها است. این اتوریته با حضور و رشد جنبش مسلحانه ایران از رستاخیز سیاهکل به بعد فراهم گشته بود و با غلبه اپورتونیسیم و رویزیونیسم از بین رفت. تجربه ثابت کرد که راه کسب رهبری مبارزات توده ها و هدایت آن بسوی تصرف قدرت سیاسی و نیز پراکنده کردن مهاجمین اپورتونیست، فقط و فقط راهی است که مبارزین سیاهکل پیموندند، راه گسترش مبارزه مسلحانه.

فاصله ای که اکنون بین مبارزات توده ها با سیاستهای سازمانهای سیاسی پدید آمده تنها حاصل تضاد بین تمایل توده ها به پیشرویهای بیشتر، به راه حلهای عملی موثر و کاریز، با تمایل این سازمانها به کند کردن این پیشرویهها، به کشاندن مبارزات توده ها به دایره رفرمیسم، و اکونومیسم را بر حرکت آنان غالب کردن است. این شکاف باز هم بیشتر خواهد شد چنانچه جنبش کمونیستی بخود نیاید و بجای تکرار کمدی تاریخ، نیروی تاریخ آفرین را به صحنه نیاورد: "جنبش کمونیستی اگر قرار است رهبری مبارزه ضد امپریالیستی خلق را بعهده بگیرد، اگر قرار است به پیشاهنگد واقعی توده ها مبدل گردد، باید خطر کند، باید در نظر و عمل يك پاسخ مشخص به مسئله تعویض قدرت حاکم امپریالیستی و واگذاری قدرت به استشار شدگان بدهد. اگر پیشاهنگی مارکسیست - لنینیستها در این مبارزه مسلحانه طولانی نتواند رهبری پرولتری انقلابی را در این مبارزه تضمین کند، هیچ چیز دیگر هم نمی تواند."

(مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک)

پایان



چریک فدائی خلق
رفیق شهید عباس دانش بهزادی



چریک فدائی خلق
رفیق شهید جلیل انفرادی



چریک فدائی خلق
رفیق شهید هوشنگ نیری



Handwritten text in Arabic script, likely a signature or name, located below the portrait on the left side.

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or name, located below the portrait on the right side.